



یونان خسرو

ابومعین ناصر بن خسرو بن چار قبادیانی بلخی



یونیا خسرو

مولانا

حسین قوامیان: مدیر تولید
اول: نوبت چاپ
هنارس: لیتوگرافی
مولانا: چاپ
۵۰۰ نسخه: شمارگان

طرح جلد: محمد مهدی وزیری
سال چاپ: ۱۳۹۵
صفحه: ۶۵۲
قطع: وزیری
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۸۸-۲۷-۲

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهیدای ژاندارمری، روبروی اداره پست، پلاک ۱۳۴ واحد ۱
تلفن: ۸۹۲۷-۶۶۴ / فروشگاه تهران: ۶۶۴۷۶۴۸۸
دفتر قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، پلاک ۶، تلفن: ۳۷۷۴۳۵۴۴-۳۷۷۴۳۶۴۵
فکس: ۳۷۷۴۳۸۱۴

سرشناسه: ناصر خسرو. ۵۳۹۴-۴۸۱ق. - Naser Khusraw

عنوان قراردادی: دیوان

عنوان و نام پدیدآور: دیوان ناصر خسرو قبادیانی / ابومعین خسرو بن

حارث قبادیانی بلخی.

مشخصات نشر: قم: اندیشه مولانا. ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۶۵۲ص.

شابک: ۲- ۲۷- ۷۰۸۸- ۶۰۰- ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۵ق.

موضوع: Persian poetry -- 11th century

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ PIR۴۷۶۴

رده بندی دیویی: ۸۱۷/۲۲

◆ شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۹۰۷۹۹



فهرست مطالب

۷	مقدمه‌ی ناشر
۱۳	قصاید
۱۴	حرف الف
۵۳	حرف ب
۷۴	حرف ت
۱۳۱	حرف خ
۱۳۲	حرف د
۲۸۱	حرف س
۲۸۴	حرف ش
۳۲۲	حرف ق
۳۲۳	حرف گ
۳۲۵	حرف ل
۳۵۲	حرف م
۴۱۲	حرف ن



۴۸۹	حرف و
۴۹۱	حرف ه
۵۱۰	حرف ی
۶۴۵	مسط
۶۵۰	رباعیات

www.ketab.ir



مقدمه ناشر

یکی از مهمترین اتفاقات سیاسی - مذهبی که در قرن سوم هجری قمری رخ داد، تشکیل دولت فاطمی بود. دولت که با نام اسماعیلیه مشهور شد.

خلفای فاطمی، فرمانروای جهانی و مذهبی را حق خود می دانستند، و ادعا داشتند که نسبشان به فاطمه، دختر پیامبری رسد و نامشان نیز از همین نسبت حکایت می کند. علاوه بر اسماعیلی و فاطمی، این سلسله با علوی، ستم می نامند.

از جمله خلفای مهم این سلسله المستنصر بالله بود که هشتمین خلیفه فاطمی است و دوران حکومتش از سال ۴۲۷ هجری قمری تا ۴۸۷، قریب به شصت سال به طول انجامید و در این دوران نسبتاً طولانی او بر همه ی اسماعیلیان ریاست و فرمانبری داشت.

خلیفه هفتم این سلسله الحاکم بالله بود که به احتمال قوی به یقین به جنون مبتلا بود و در دوران حکومتش ظلم و ستم را به نهایت رساند و در امور اداره کشور کارش به جایی رسید که ادعای داشتن صفات الهی کرد، اما ناگهان از نظرها غایب شد، به طوری که عده ای به مقتد بودند که به دست افرادی که از ظلم و ستم او خسته شده بودند، کشته شد و عده ای دیگر که از طرفداران او بودند اعتقاد داشتند که او خود را فقط از چشمانی که شایستگی دیدن وجود مقدس او را ندارند، پنهان کرده است. معضلات و مشکلاتی که در این برهه از زمان برای سلسله اسماعیلیه به وجود آمد با نشستن المستنصر بالله بر تخت پادشاهی پایان یافت و در دوران حکومت وی، دولت فاطمی و مذهب اسماعیلی به قدرت و عظمت خود رسید. از جمله مبلغان و طرفداران سلسله اسماعیلیه که به خاطر ترویج آیین و مذهب اسماعیلی با سختی ها و مشکلات زیادی روبرو شد، شاعر نام آور و مشهور ایرانی ناصر خسرو قبادیانی بود.

شاعرتوانا و آزاداندیش، حکیم ابو معین ناصر بن خسرو قبادیانی ملقب به حجت در سال ۳۹۴ هجری قمری چشم به جهان گشود.

بگذشت ز هجرت پس سید نو و چهار نهاد سرانادر بر سر کز اغبر

(ناصر خسرو ۱۳۵۳، ۵۰۷)

محل تولدش قبادیان بوده است.

پوسته شدم نب بر یکان کز نسل قبادیان کستم

(ناصر خسرو ۱۳۵۳، ۲۲۱)

به علت اینکه به سواد و مرومقیم شده در ابتدای سفرنامه اش، خود را مروزی نامیده است. نام پدرش خسرو بود.

ای پسر خسرو و حکمت بگو تا بود طاقت و توش و توان

(ناصر خسرو ۱۳۵۳، ۱۵)

لقبش حجت بود که در واقع بالاترین مرتبه دینی در دولت فاطمی است که آن را خلیفه فاطمی المستنصر بالله به وی داده بود.

یکی رایکان جستی گفت بشو ز حجتین حجت رایکان را

(ناصر خسرو ۱۳۵۲، ۱۱)

او از خانواده‌ای آبرومند و محتشم بود و ثروت و ضیاع بسیاری در بلخ داشت. به طبع در جوانی به درس و تحصیل پرداخت و به کسب علوم اشتغال ورزید و در همان دوران به تعلیم دبیری مشغول شد و قبل از سی سالگی به دربار سلاطین از جمله محمود و مسعود غزنوی راه یافت و به مراتب عالی رسید؛ همان طور که از آثارش پیداست او در زمینه‌های طب، موسیقی، ریاضی و علوم متداول زمان خودش نیز آگاهی داشت. ناصر خسرو پس از آنکه مدتی از عمرش را در کسب انواع علوم در خدمت پادشاهان در دربار همراه با لهو و لعب و کسب مال و جاه گذراند، به یکباره دچار تغییراتی در زندگی اش شد و در فکرو اندیشه‌ی حقیقت زندگی افتاد و با علمای دوران خود به بحث و جدل پرداخت اما جواب سؤالات خود را از این مدعیان علم و دانش نیافت و به همین سبب او همواره خاطری نگران

و اندیشه‌ای نابسامان داشت تا اینکه در سال ۴۳۷ هجری قمری در سن ۴۳ سالگی در جوزجانان خوابی دید که باعث تحول در زندگی او شد.

ناصر خسرو آن اتفاق را چنین بیان می‌کند:

«... پس از آنجا به جوزجانان شدم و قریب یک ماه ببودم و شراب پیوسته خوردمی... شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفت: چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند. اگر بهوش باشی بهتر! من جواب گفتم که حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند. جواب دادی که در بیخودی و بهوشی راحتی نباشد. حکیم نتوان گفت کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد، بلکه چیزی باید طلبید که خرد و هوش را بیفزاید. گفتم که: من این از کجا آرم؟ گفت: جایی که بنده باشد! و پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت. چون از خواب بیدار شدم، آن حال تمام بریادم بود و بر من کار کرد. با خود گفتم که از خواب دوشین سال شدم، اکنون باید که از خواب چهل ساله نیز بیدار شوم. اندیشیدم که تا همه افعار و اعمال خود بدل نکنم، فرج نیابم...»

(سفرنامه ۲، ۱۳۸۴)

پس به فرمان همان کس که در خواب اشاره به قبله خردم حقیقت را در آن سوی نشان داده بود، بار سفر حج بست و با برادر کهنتر خود ابوسعید و یک غلام روانه‌ی سفر شد. این سفر هفت سال طول کشید و با برگشت به بلخ در سال ۴۴۴ هجری قمری خاندان یافت. او در طی این سفر هفت ساله چهار مرتبه حج کرد و از سرزمین‌هایی چون ایران، ارمنستان، آسیای صغیر، حلب، شام، سوریه، فلسطین، جزیره العرب، مصر، قیروان، نوبه و سودان گذر کرد. متعریباً سه سال را در مصر بسربرد و در آنجا به مذهب اسماعیلی گروید و به خدمت خلیفه فاطمی المستنصر بالله رسید. البته در اینکه ناصر خسرو قبل از سفر مصر پیرو کدام مذهب بوده و آیا در مصر به اسماعیلیان گرویده یا در خراسان پیرو آنها بوده، اختلاف است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد او به درجه حجت نائل گشت و از طرف امام فاطمیان مأمور نشر مذهب اسماعیلی در خراسان گردید؛ هنگامی که ناصر خسرو از سفر هفت ساله‌ی خود به خراسان باز می‌گشت، پنجاه ساله بود. وی پس از بازگشت، به بلخ رفت و در آنجا شروع

به نشر و دعوت و ترویج مذهب اسماعیلی کرد و داعیانی را به اطراف فرستاد. او برای نشر و ترویج مذهب اسماعیلیه ناگزیر به بحث و جدل با علمای اهل سنت بود و همین امر باعث شد تا کم کم دشمنان و مخالفان زیادی پیدا کند و به مرور کار بر او بسیار دشوار گشت؛ تا جایی که حکم قتل او صادر شد و او را بدین و قمرطی و ملحد خواندند. بنابراین به ناچار ناصر خسرو مجبور به ترک وطن شد، تا بتواند از شر ناصیبیان رها شود. این اختلاف ناصر خسرو با ناصیبیان در جای جای دیوانش نمود دارد و آشکار است. او پس از رفتن از بلخ به نیشابور و مازندران و عاقبت به یمگان پناه برد و تا آخر عمر در آنجا به دعوت فاطمیان مشغول شد.

آثار ناصر خسرو

دیوان ناصر خسرو حدود ۱۱۰۵۰ بیت دارد که با توجه به اینکه دولتشاه دیوان او را حدود سی هزار بیت دانسته است، این عدد آیات قسمتی از دیوان اصلی ناصر خسرو می باشد. ویژگی و سبک ناصر خسرو به سبک شاعران اواخر دوره سامانی شباهت دارد و در دیوانش بسیاری از کلمات و ترکیباتی یافت می شود که در اواخر قرن ۴ رایج بوده است. البته او در جاهایی از ترکیبات عربی هم استفاده کرده است. از دیگر ویژگی های شعر ناصر خسرو بیان مواظ و حکم بسیار در شعرش است که به یقین در این سبک نگارش می تواند از کسانی شاعر پیش از خود پیروی کرده باشد.^۱

با توجه به اینکه ناصر خسرو یک مبلغ مذهب اسماعیلی بوده، اندیشه و اعتقادات خویش را نیز در اشعارش دخیل کرد و شعری که او می سرود جدا از اندیشه و عقایدش نبود و تمام آموخته هایش را در راستای اعتقادات مذهبی اش بیان می کرد. از دیگر ویژگی های شعرهای او توصیف طبیعت - عاطفی بودن و اعتراض به مردم متعصب و سبک مغز دوران خودش است.

آثار منشور ناصر خسرو

۱. **سفرنامه:** نخستین اثر منشور ناصر خسرو و گزارش سفر هفت ساله وی است.
۲. **زاد المسافرین:** تألیف این کتاب در سال ۴۵۳ هجری قمری در دره یمگان است که در بیست و هفت فصل بیان شده و از جمله مهمترین کتب کلامی اسماعیلیه شمرده می شود.
۱. اواخر عمر کسانی مصادف با اوایل عمر ناصر خسرو بود.

۳. **جامع الحکمتین**: آخرین کتاب نویسنده است و در سال ۴۶۲ هجری قمری در یمگان نوشته شده است. این کتاب در شرح قصیده معروف خواجه ابوالهیثم به خواهش امیربدخشان عین الدوله ابوالمعالی علی بن اسد بن حارث نوشته شده است.

۴. **وجه الدین**: نام دیگر آن «**روی دین**» است. از دیگر آثار منشور ناصر خسرو است که در آن مختصری از مسائل کلامی، تأویلات و باطن عبادات و احکام شریعت و مسائل دینی و فقهی به طریقه اسماعیلیان در پناه و یک گفتار نوشته شده است.

۵. **گشایش و رهایش**: یک رساله به زبان فارسی است که در جواب سی سؤال یکی از اسماعیلیان نوشته شده است.

۶. **خوان الاخوان**: یکی از کتاب‌های منسوب به ناصر خسرو است که در صد فصل درباره قیامت و برزخ، زندگی پس از مرگ و ... مطابق با اعتقادات اسماعیلیه تألیف شده است. شخصیت و نحوه زندگی پیافراز و نشیب ناصر خسرو باعث بوجود آمدن دیدگاه‌های گوناگون راجع به او شده است که در این اینکه عده‌ای او را مردی پرهیزکار و زاهد و مبلغ دین و متکلم و گوینده صریح اللهجه می‌دانستند. در همان دوران گروهی دیگر او را بددین و قرمطی و ملحد و مشرک می‌نامیدند.

ناصر خسرو در سال ۴۸۱ هجری قمری در سن هشتاد و هفت سالگی در یمگان جان به جان آفرین تسلیم کرد. و در همانجا به خاک سپرده شد.